



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام هادی علیه السلام به روایت اهل سنت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام هادی علیه السلام به روایت اهل سنت

نویسنده:

ماهنامه کوثر

ناشر چاپی:

زائر - آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام هادی(ع) به روایت اهل سنت
۶	مشخصات کتاب
۷	دودمان امام
۸	کنیه و القاب
۱۰	والدین امام
۱۱	ولادت و شهادت امام
۱۲	رحلت یا شهادت امام
۱۳	بارگاه امام هادی
۱۴	فرزندان امام
۱۵	نص بر امامت امام هادی
۱۶	جایگاه علمی - معنوی امام
۱۸	جایگاه امام نزد اهل سنت
۱۸	اشاره
۱۹	اسحاق بن ابراهیم طاطری (۲۳۵ ق)
۲۰	قاضی یحیی بن اکثم (۲۴۲ ق)
۲۱	خطیب بغدادی
۲۲	وصیف الترمذی (۲۵۳ ق)
۲۳	ابن واضع یعقوبی کاتب عباسی (۲۸۴ ق)
۲۴	درباره مرکز

امام هادی (ع) به روایت اهل سنت

مشخصات کتاب

نویسنده: واحد تحقیقات ماهنامه کوثر

ناشر: ماهنامه کوثر - تابستان ۱۳۸۶، شماره ۷۰

موضوع: امام هادی (ع)

یادداشت: مقاله

ص: ۱

سمعانی (۵۶۲ق) نسب و دودمان امام را این گونه بیان می کند: ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی المعروف بالعسکری. (۱).

ص: ۲

۱- ۱. الانساب، ج ۴ ص ۱۹۵.

نام ایشان «علی» و کنیه آن حضرت ابوالحسن است، (۱) و چون وی در نام و کنیه شبیه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و امام علی بن موسی الرضا (ع) است، به ایشان «ابوالحسن ثالث» نیز می گویند. (۲). القاب آن حضرت، هادی، (۳) متوکل، (۴) ناصح، (۵) متقی، (۶) مرتضی، (۷) فقیه، امین، طیب، متوکل، (۸) تقی، (۹) نقی، (۱۰) زکی، (۱۱) فتّاح، (۱۲) علوی، حسینی، (۱۳) هاشمی، (۱۴) عسکری (۱۵) است. گرچه برخی معتقدند، لقب «هادی» بین شیعه معروف است (۱۶)، ولی اکثر اهل سنت معروف ترین لقب امام را (بین شیعه و اهل سنت) هادی و ابوالحسن عسکری می دانند. (۱۷). برخی دیگر بر این گمان اند که لقب «متوکل» مشهورترین لقب امام است که آن حضرت (۱۸) به خاطر شباهت این لقب با اسم متوکل عباسی، اصحاب خود را از به کار بردن لقب «متوکل» در مورد خویش، منع می کردند. (۱۹). با توجه به نهی امام هادی از به کار بردن این لقب در مورد ایشان، چگونه می توان این لقب را مشهور دانست؛ چنان که به این نکته شبلنجی اشاره کرده است. (۲۰). نکته جالبی در لقب «نقی» وجود دارد که خنجی اصفهانی شافعی در این باره می گوید: نقی به معنای پاکیزه از جمیع عیوب است و این اشارت است به عصمت و طهارت آن حضرت و پاکیزگی از عیوب حسبی و نسبی، با آنکه آن حضرت نقاوه و برگزیده ائمه عظام و اجداد کرام خود است. (۲۱).

ص: ۳

- ۱-۲. همان، ص ۱۹۶.
- ۲-۳. تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۹۵.
- ۳-۴. تتمه المختصر، ج ۱، ص ۳۴۷.
- ۴-۵. تذکره الخواص، ص ۳۲۲.
- ۵-۶. مطالب السؤل، ص ۱۴۴.
- ۶-۷. نورالابصار، ص ۳۳۴؛
- ۷-۸. مطالب السؤل، ص ۱۴۴.
- ۸-۹. نورالابصار، ص ۳۳۴.]
- ۹-۱۰. المختصر فی اخبار البشر، ج ۲، ص ۴۴.
- ۱۰-۱۱. تذکره الخواص، ص ۳۲۲.
- ۱۱-۱۲. النعم المقیم، ص ۴۲۵.
- ۱۲-۱۳. تاریخ حبیب السیر ج ۲، ص ۹۵.
- ۱۳-۱۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۲۱.
- ۱۴-۱۵. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۶.
- ۱۵-۱۶. الانساب، ج ۴، ص ۱۹۵.
- ۱۶-۱۷. تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۳۴۱.
- ۱۷-۱۸. نورالابصار، ص ۳۳۴.

١٨-١٩. مطالب السؤل، ص ١٤٤.

١٩-٢٠. همان.

٢٠-٢١. نورالابصار، ص ٣٣٤.

٢١-٢٢. وسيله الخادم الى المخدوم، ص ٢٥٧ - ٢٦٢.

پدر بزرگوارشان امام جواد (ع) ، و مادر ایشان امّ ولد (۱) است، ولی در نام مادر آن حضرت اختلاف است، بعضی ایشان را «سمانه مغریّه» (۲) و برخی دیگر «غزاله» (۳) نامیده اند. البته برخی دیگر مادر ایشان را «جُمانه» مکنّیا به ام الفضل (دختر مأمون) دانسته اند. (۴).

ص: ۴

-
- ۱- ۲۳. اخبار الدّول، ص ۱۱۶.
 - ۲- ۲۴. تذکره الخواص، ص ۳۲۲.
 - ۳- ۲۵. النعم المقیم، ص ۴۲۷.
 - ۴- ۲۶. تاریخ روضه الصفا، ج ۳، ص ۵۵.

درباره تاریخ دقیق ولادت و شهادت امام، سخنان گوناگون گفته شده که به آنها اشاره می شود. امام هادی در مدینه متولد شدند (۱) و بیشتر مورخان ولادت امام را به سال ۲۱۴ (۲)، برخی دیگر ۲۱۳ (۳)، برخی ۲۱۲ (۴) و برخی دیگر ۲۲۴ (۵) هجری قمری ثبت کرده اند. ولادت ایشان را روز یکشنبه، ۱۳ رجب (۶) و برخی دیگر روز سه شنبه ۵ رجب (۷) و برخی روز عرفه (۸) گزارش کرده اند. امام در دوران حیات پدر بزرگوارشان شش سال و پنج ماه داشتند و بعد از وفات ایشان نیز تقریباً ۳۳ سال و یک ماه زیستند (۹) و در سال ۲۵۴ هجری در شهر سامرا و در دوران حکومت معتز، به شهادت رسیدند و در منزل ایشان در سامرا دفن شدند. (۱۰) اما در تاریخ دقیق شهادت امام و سن آن حضرت اختلاف است. اکثر مورخان تاریخ شهادت امام هادی را روز دوشنبه، ۲۵ جمادی الآخر و در چهل سالگی گزارش کرده (۱۱) و برخی دیگر روز دوشنبه ۲۶ جمادی الآخر یا ۴ جمادی الآخر (۱۲)، روز چهارشنبه ۲۷ جمادی الآخر (۱۳) و برخی ۳ رجب (۱۴) را تاریخ شهادت امام دانسته و سن امام را ۳۹ سال و ۱۱ ماه (۱۵) و ۱۲ روز و یا بیشتر نیز (۱۶) ثبت کرده اند.

ص: ۵

۱- ۲۷. همان.

۲- ۲۸. الانساب، ج ۴، ص ۱۹۶.

۳- ۲۹. مرآه الجنان، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴- ۳۰. النعیم المقیم، ص ۴۲۶.

۵- ۳۱. النجوم الزاهره، ج ۲، ص ۴۱۰.

۶- ۳۲. مرآه الجنان، ج ۲، ص ۱۱۹.

۷- ۳۳. النعیم المقیم، ص ۴۲۶.

۸- ۳۴. وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۹- ۳۵. مطالب السؤل، ص ۱۴۶.

۱۰- ۳۶. تاریخ الامم و الملوك، ج ۵، ص ۴۲۶.

۱۱- ۳۷. تاریخ الامم و الملوك، ج ۵، ص ۴۲۶.

۱۲- ۳۸. وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۱۳- ۳۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۳.

۱۴- ۴۰. وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۱۵- ۴۱. النعیم المقیم، ص ۴۳۰.

۱۶- ۴۲. مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۹۳.

در اینکه آیا ایشان شهید شده و یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته است، در کلمات اهل سنت سه دیدگاه است. گروهی گفته اند امام به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. در مقابل، بعضی دیگر مرگ طبیعی امام هادی (ع) را قطعی ندانسته و با کلماتی همچون «و يقال أنه مات مسموماً» از کنار این مسئله با تأمل و تردید گذشته اند. مسعودی (۳۴۶ ق) (۱)، سبط بن جوزی (۶۵۴) (۲)، شبلنجی شافعی (۱۲۹۸) (۳)، علی فکری حسینی قاهری (۱۳۷۲ ق) (۴) از جمله این افراد هستند. اما برخی دیگر با قاطعیت، معتقدند که امام به وسیله معتز، مسموم شده است. برخی دیگر واژه «شهادت» را در مورد امام به کار برده اند. ابن صباغ مالکی (۸۵۵) گفته: «استشهد فی آخر ملکه (معتز) ابوالحسن...» (۵) و فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی شافعی (۹۲۷ ق): نوشته «... الشهيد بکيد الاعداء...». (۶) سید محمد عبدالغفار هاشمی می گوید: «وَدَسَّ لَهُ السَّمَّ...». (۷). پس اینکه برخی با قاطعیت «شهادت امام هادی را مخصوص اهل تشیع می دانند و معتقدند که از نظر اهل سنت رحلت امام به مرگ طبیعی بوده است» (۸)، سخن درستی نیست.

ص: ۶

۱- ۴۳. همان.

۲- ۴۴. تذکره الخواص، ص ۳۲۴.

۳- ۴۵. نور الابصار، ص ۳۳۷.

۴- ۴۶. احسن القصص، ج ۴، ص ۳۰۰.

۵- ۴۷. الفصول المهمه، ص ۲۸۳.

۶- ۴۸. وسیله الخادم الی المخدوم، ص ۲۶۱.

۷- ۴۹. ائمه الهدی، ص ۱۳۶.

۸- ۵۰. تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۹۵.

در مورد سامرا، محل دفن و بارگاه منور امام هادی (ع)، سخنان اندک ولی شگفت آوری بیان شده که به آنها اشاره می شود: یاقوت حموی زمانی که مدفونین در سامرا را نام می برد، به نام مبارک امام هادی و امام حسن عسکری (ع) که می رسد، از آنها با احترام یاد می کند و می گوید: «و بسامرا قبر الامام علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر و ابنه الحسن بن علی العسکریین...» (۱). وی در جای دیگر از کتاب خود، ذیل منطقه «عسکر سامرا» می گوید: «و قد نُسب الیه قوم من الاجلّاء منهم علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) یکنی ابا الحسن الهادی... و ابنه الحسن بن علی... و با احترام از آن دو بزرگوار و امام مهدی (ع) یاد می کند. (۲). از معاصرین نیز عبدالغفار هاشمی حنفی درباره مرقد امام می گوید: «... و علی مرقده قبه جمیله - رضی الله عنه - و...» (۳) که امروزه متأسفانه همانند بقیع، از سوی جریان فتنه انگیز سلفی، تخریب شده است.

ص: ۷

۱- ۵۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۸.

۲- ۵۲. همان، ص ۱۲۳.

۳- ۵۳. ائمه الهدی، ص ۱۳۶.

اولاد امام هادی (ع) را برخی دو فرزند (۱) و بعضی چهار (۲) و برخی دیگر بیشتر از چهار نفر دانسته اند که عبارت اند از: امام ابو محمد امام حسن عسکری (ع)، حسین ابو جعفر محمد، ابو عبدالله جعفر و عالیه که در برخی کتب، عایشه ثبت شده است. (۳). فخر رازی درباره فرزندان امام هادی (ع) می گوید: «من الأبناء سته: أبو محمد الحسن العسکری الإمام (ع) و أبو عبدالله جعفر، و الحسین (مات قبل أبيه بسیر من رأی) و موسی و محمد و هو أكبر أولاده و علی، و اتفقوا علی أنّ المعقّب من اولاده ابنان: الحسن العسکری الامام (ع) و جعفر الکذاب، و له [إمام هادی] من البنات ثلاثه: عائشه و فاطمه و بریهه؛ فرزندان امام هادی عبارت اند از: شش پسر و سه دختر به نام های امام حسن عسکری، ابو عبدالله جعفر، حسین (که قبل از امام هادی در سامرا رحلت کرد)، موسی، محمد (بزرگ ترین فرزند امام هادی) و علی. و تمامی علما اتفاق نظر دارند که نسل امام هادی (ع) از امام حسن عسکری (ع) و جعفر کذاب ادامه پیدا کرد. دختران امام هادی (ع) نیز عایشه، فاطمه و بریهه نام داشتند». (۴). البته از علمای شیعه، افرادی چون امین الاسلام طبرسی، امام هادی را صاحب پنج فرزند دانسته که نام های آنان عبارت اند از: امام حسن عسکری (ع)، حسین، محمد، جعفر کذاب و دخترشان عالیه. (۵).

ص: ۸

۱- ۵۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۳.

۲- ۵۵. الاتحاف بحب الاشراف، ص ۳۶۳.

۳- ۵۶. النعیم المقیم، ص ۴۳۱.

۴- ۵۷. الشجره المبارکه، ص ۷۸.

۵- ۵۸. إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۲۷.

یکی از نکات جالب آن است که در منابع اهل سنت روایاتی نقل شده است که در آن به امامت امام هادی (ع) ، از سوی امام جواد تصریح شده است. ابن صَبَّاح مالکی به نقل از ارشاد شیخ مفید می نویسد: «قال إسماعیل بن مهران: لما خرج أبو جعفر محمد الجواد من المدینه إلى بغداد بطلبه المعتصم قلت له عند خروجه، جُعِلْتُ فداك، إني أخافُ عليك من هذا الوجه فإلی من الأمر بعدك؟ فبکی حتى یلّ لحيته ثم التفت إلیّ فقال: الأمر من بعدی لولدی علی؛ (1) إسماعیل بن مهران می گوید: زمانی که قرار شد امام جواد به دستور معتصم از مدینه به بغداد راهی شود، خدمت امام رسیدم و گفتم: فدایت شوم، من از این سفری که در پیش دارید، بیمناکم (و نگران شما هستم). بعد از شما امر (امامت) از آن کیست؟ إسماعیل می گوید: امام جواد گریست؛ به گونه ای که محاسن (شریف) آن حضرت اشک آلود شد، سپس رو به من کرد و فرمود: امر (امامت) از آن فرزندم علی است» .

ص: ۹

این موضوع، در کتب تاریخی - حدیثی اهل سنت به صورت مستقل مطرح نشده و متأسفانه گروهی با بی‌اعتنایی به زندگانی فرزند رسول الله (ص) امام هادی (ع) سعی در کم‌رنگ جلوه دادن آن حضرت داشتند. با این وصف، با توجه به برخی قرائن و شواهد، می‌توان دریافت که میزان نفوذ و جایگاه امام هادی در میان مردم تا چه اندازه عمیق، گسترده و غیر قابل وصف بوده است که جلوه آن در سه منطقه مدینه، بغداد و سامرا است. مسعودی می‌نویسد: یحیی بن هرثمه (مأمور متوکل که مأموریت احضار امام از مدینه به سامرا را داشت) می‌گوید: هنگامی که به مدینه آمدم و قرار شد امام هادی را به سامرا ببرم: «فلما صرّت الیها ضجّ اهلها و عجبوا ضجیجاً و عجیجاً ما سمعت مثله...» (۱). یعقوبی می‌نویسد: زمانی که امام هادی به یاسرّیه (حوالی بغداد) رسیدند، با اینکه ظاهراً ورود امام هادی به آن مکان، با اطلاع قبلی و اعلام عمومی نبوده، والی بغداد، اسحاق بن ابراهیم طاهری، زمانی که به آنجا می‌رسد، با جمعیت پرشوری که برای استقبال از امام هادی (ع) آمده بودند، مواجه می‌شود: «فرأی تشوّق الناس الیه و اجتماعهم لرؤیته...» (۲). یعقوبی هنگام وفات امام و جمعیت حاضر را این گونه گزارش می‌کند: «فلما کثر الناس و اجتمعوا کثر بکآؤهم و ضجّتهم فرّد النعش الی داره» (۳). مسعودی نیز درباره هنگام رحلت امام هادی می‌نویسد: «و سُمِعَ فی جنازته جاریه تقول: ماذا لقینا فی یوم الاثنین قدیماً و حدیثاً» (۴). جریان بیماری متوکل و پیشنهاد فتح بن خاقان (از نزدیکان متوکل) مبنی بر کمک گرفتن از امام هادی برای شفا گرفتن متوکل و نذر مبلغی هنگامت از سوی مادر متوکل برای امام هادی (۵) نیز نشان دهنده این جایگاه والی است. همچون بسیاری قرائن و شواهد، گویای نفوذ معنوی امام هادی (ع) در میان مردم به ویژه در میان مردم سامرا است؛ مردمی که بیشترشان از اهل سنت بودند. علاوه بر اینکه در دستگاه حکومت متوکل نیز افرادی مانند فتح بن خاقان و یا مادر متوکل وجود داشتند که به کرامات امام هادی معتقد بودند. یکی از دلایل اساسی احضار امام از مدینه به سامرا جایگاه ویژه اجتماعی - سیاسی و نفوذ معنوی امام هادی (ع) در میان مردم بود. یعقوبی می‌نویسد: والی مدینه برای متوکل چنین نوشت: «... و کان عبداللّه محمد بن داود الهاشمی قد کتب، یدکر أنّ قوماً یقولون أنّه الامام فشحخص عن المدینه...» (۶). سید محمد عبدالغفار هاشمی حنفی نیز درباره سبب احضار امام می‌گوید: «استدعاه الملك المتوکل من المدینه المنوره حیث خاف علی ملکه و زوال دولته الیه بمآله من علم کثیر و عمل صالح و سداد رأی و قول حق...» (۷). البته دلیل عمده دیگر، کینه متوکل از امام علی (ع) و آل علی است. سبط بن جوزی در این باره می‌نویسد: «قال علماء السیر: و انما اشخصه المتوکل من مدینه رسول الله الی بغداد لانّ المتوکل کان یبغض علیاً و ذریته...» (۸)؛ به اتفاق، مورخین و علمای اهل سنت، متوکل فردی ناصبی و ضد علی ذریه او بوده است. ابن مسکویه، ابن اثیر و ابن وردی هر کدام در تاریخ خود می‌نویسند: «و کان المتوکل شدید البغض لعلی بن ابی طالب (ع) و لاهل بینه و کان یقصد من یتولّی علیاً و اهله بأخذ المال و الدم» (۹). علاوه بر این مطلب، اطرافیان و مشاورین متوکل نیز از کسانی بودند که به ناصبی بودن و بغض امام علی (ع) شهرت داشتند: «ندماء متوکل جماعه قد اشتهروا بالنصب و البغض لعلی» (۱۰). در مجموع دو علت: نفوذ معنوی - اجتماعی امام هادی در بین مردم و کینه توزی متوکل نسبت به امام علی (ع) و خاندان و پیروان او باعث احضار امام هادی (ع) از مدینه به سامرا شد.

- ٢-٦١. تاريخ يعقوبى، ج ٢، ص ٤٨٤.
- ٣-٦٢. همان، ص ٥٠٣.
- ٤-٦٣. مروج الذهب، ج ٤، ص ١٩٣.
- ٥-٦٤. تاريخ حبيب السير، ج ٢، ص ٩٧.
- ٦-٦٥. تاريخ يعقوبى، ج ٢، ص ٤٨٤.
- ٧-٦٦. ائمه الهدى، ص ١٣٦؛ احقاق الحق، ج ١٢، ص ٤٤٥.
- ٨-٦٧. تذكره الخواص، ص ٣٢٢.
- ٩-٦٨. تجارب الامم، ج ٤، ص ١٢٠.
- ١٠-٦٩. همان.

از نظر علم طبقه شناسی اهل سنت، امام هادی (ع) در طبقه ۲۶ قرار دارد، و با وجود اینکه بعضی از صاحبان صحاح و محدثین بنام اهل سنت، معاصر و هم دوره امام بودند، ولی متأسفانه حدیثی از آن بزرگوار نقل نکرده اند. با این حال، وقایعی در جمع فقهای حاضر در نزد متوکل پدید آمد که منجر به ناکامی آنان شد (۱) و همین امر، عظمت و مرجعیت تمام و کمال علمی - فقهی امام را اثبات کرد و به نمایش گذاشت؛ به گونه ای که بزرگان اهل سنت را به اعتراف درباره عظمت علمی، فقهی، اخلاقی و... امام هادی وادار کرد.

ص: ۱۱

امام هادی را از مدینه به طرف شَیْرَمَنْ رَأَى احضار کردند. زمانی که به منطقه ای به نام یاسرّیه حوالی بغداد رسیدند، اسحاق بن ابراهیم، والی بغداد، استقبال پرشور امام را مشاهده کرد: «فرأی شوق الناس الیه و اجتماعهم لرؤیته...» (۱). با اینکه سفر امام با اطلاع قبلی نبود. در جای دیگر آمده، اسحاق به یحیی بن هرثمه که مأمور احضار امام از مدینه به سامرا بود، گفت: «انّ هذا الرجل قد ولده رسول الله و المتوکل من تعلم فان حرضته علیه قتله و کان رسول الله خصمک یوم القیامه...» (۲).

ص: ۱۲

۱- ۷۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲- ۷۲. تذکره الخواص، ص ۳۲۲.

هنگامی که فقها نزد واثق حضور داشتند، یحیی بن اکثم این سؤال را مطرح کرد که وقتی آدم (ع) به حج رفت، چه کسی سر او را تراشید؟ فقهای مجلس از پاسخ درماندند، واثق به آنها گفت: من کسی که جواب این سؤال را بدانم، برای شما حاضر می‌کنم. سپس امام هادی (ع) را به مجلس فراخواند و سؤال یحیی بن اکثم را از آن حضرت پرسید. امام فرمود: همانا پدرم از جدم، از پدرش از جدش نقل فرمود که رسول الله فرمود: جبرئیل مأمور شد تا یاقوتی را از بهشت برای حضرت آدم بیاورد، و آن را بر سر حضرت آدم کشید و موهای ایشان تراشیده شد؛ به گونه ای که نور سر حضرت آدم، تمامی اطراف را فرا گرفت. (۱).

ص: ۱۳

خطیب بغدادی می نویسد: متوکل، در اوایل خلافت خود به مریضی سختی دچار شد و با خود نذر کرد که اگر از این مریضی نجات یابد، دینارهای زیادی را صدقه بدهد. زمانی که از مریضی جان سالم به در برد، فقها را گرد آورد و از آنها کسب تکلیف کرد که چه مقدار صدقه بدهد. فقها جواب های مختلفی ارائه کردند. متوکل دستور داد تا سؤال را به امام هادی (ع) عرضه کنند. امام در پاسخ فرمود: ۳۸ دینار صدقه بدهد. بعضی از فقها از جواب امام شگفت زده شدند و برخی دیگر زبان به اعتراض گشودند و جواب امام را نپذیرفتند. خلیفه شخصی را به سوی امام فرستاد تا علت این حکم را بپرسد. امام فرمود: به این آیه استدلال کردم: خداوند شما مؤمنان را در جنگ های بسیاری یاری کرد، و از اهل بیت روایت شده که جریان ها، (سریه ها و غزوات) هشتاد و سه و جنگ حنین نیز هشتاد و چهارمین جنگ بوده است. اما با این حال خلیفه در انجام کار خیر هر چه بیشتر بپردازد، به نفع او است و در دنیا و آخرت مأجور خواهد بود. (۱).

ص: ۱۴

وصیف ترکی (۲۵۳ ق)

وصیف یکی از فرماندهان و سرداران نظامی بنی عباس بود. زمانی که یحیی بن هرثمه امام را به سامرا آورد، وی را خیردار کرد و او به یحیی بن هرثمه گفت: «والله لئن سقط منه شعره لا يطالب بها سواك...». هرثمه می گوید: «فَعَجِبْتُ كَيْفَ وَافَقَ قَوْلَهُ قَوْلَ إِسْحَاقَ». (۱).

ص: ۱۵

۱-۷۵. تذکره الخواص، ص ۳۲۲.

وی بعد از ذکر نسب مطهر امام هادی (ع) و تاریخ وفات ایشان، شدت ناراحتی مردم از فقدان امام را چنین گزارش می کند: بعد از خواندن نماز بر جسم مطهر امام، جمعیت آنقدر برای تشییع آمده و دور جنازه جمع شده بودند و آن قدر ضججه و ناله و گریه و زاری می کردند که جنازه را به منزل امام بردند و در همانجا دفن کردند. (۱) این جریان تکان دهنده، نشانگر نفوذ معنوی و موقعیت اجتماعی امام در مردم و در آن منطقه است.

ص: ۱۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

